

مراسلات با ماشین عده زیادی که کفایت می کند برای انجام این کار و بالاخره با این حقوق ممکن است ده نفر را معین کرد .

بنده می شنوم که گفته می شود برای نوشتن باعلائم رمز است .

این مسئله اولاً در این قانون نیست و چندین ضرورتی هم ندارد که يك نفر را بیاوریم برای این کار مگر اینکه بخواهیم يك کلاس درین باب ترتیب بدهیم .

وزیر مالیه - همانطور که خود آقای شریعت زاده فرمودند این ماشین است در این جا آن ماشینست هائی که ما در اینجا داریم مقصود استنکراف است یعنی اشخاصی که می توانند تند نویسی کنند بزبان انگلیسی و فرانسه و اشخاصی هستند که همانطور که گوینده می گوید می نویسند بدون معطلی و این نوع ماشینست در میان ایرانی ها نیست .

وقتی که این لایحه پیش نهاد می شد خودمان در نظر داشتیم که اگر بتوانیم از این شخص صرف نظر کنیم و خود رئیس کل مالیه هم تصور می کرد که اگر هده این ها بیشتر باشد بهتر است و وقتی که يك نفر باشد فقط تنها خود رئیس کل مالیه می تواند از او استفاده کند

در صورتی که رؤسای مهم وزارت مالیه همه محتاج هستند و این طور که مذاکره شد و رئیس کل مالیه توضیح دادند حقیقتاً وجود يك نفر تند نویسی نصف کار را از او کم می کند و خیلی اسباب سرعت جریان کار است

ولی معذک با امبداین که این شخص بیاید این جا و در ظرف چند ماه شاید بتوانیم اشخاصی از ایرانی ها را زیر دست او تربیت کنیم و با حقوق کمتر از آنها استفاده بکنیم به همین يك فرقه است که در این امر می تواند زیر دست او اشخاص دیگری هم تربیت بکنیم و اساساً این مسئله تند نویسی يك فنی است که خیلی مفید است و بکار می خورد و از وجود ایرانی هائی هم که بعد تربیت می شوند شاید بتوانیم يك تغییری هم در وضع تند نویسی خط ایرانی بدهیم و دولت هم بعد از این که ضرورت این مسئله را احساس کرد این پیشنهاد را کرده

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .

رئیس - پیش نهاد ها قرائت می شود:

(شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم در ماده اول قسمت چهارم عوض عبارت تند نویسی ماشینست نوشته شود .

ماشین نویسی (استینو گرافیت)

رئیس - پیش نهاد آقای شیروانی هم همین بود (خطاب به آقای قائم مقام)

بفرمائید .

قائم مقام - در این جا دو لفظ نوشته شده است که با هم دیگر قدری متناقض است اگر مقصود از این مستخدم کسی است که با ماشین می نویسد باید نوشت و اکتیلو گراف .

اگر مقصود کسی است که تند نویسی می کند او را باید نوشت استنکراف و ماشینست کسی را می گویند که ماشین را اداره می کنند و این جا مناسبت ندارد .

وزیر مالیه - بنده اشکالی نمی بینم که اگر آقایان اشکالی دارند رفع شود زیرا مقصود استینو گراف است .

رئیس - آقای تدین .

(اجازه)

تدین - بنده حالا قطع نظر از این که کلمه ماشینست مقصود را می فهماند یا نه .

ولی برای این که فارسی بشود خوب است این طور نوشته شود (تند نویسی بوسیله ماشین) و آن مقصود را هم تأمین می کند ولی اگر مقصود این است که با دست نوشته بشود آن چیز دیگری است .

وزیر مالیه - مقصود استینو گراف است یعنی کسی که با دست تند نویسی می کند با ماشین تند نویسی نمی کند ولی هر تند نویسی با ماشین هم چیزی می نویسد .

این جا البته در لفظ مسامحه شده بواسطه این که ما اصطلاحات خاصی نداشتیم مقصود استینو گراف است یعنی همان کسی که تند می نویسد با آن طرزى که در فرنگ معمولاً است .

حالا اگر آقایان می خواهند تند نویسی بنویسند ما هم موافقیم .

رئیس - رأی می گیریم پیش نهاد آقای قائم مقام کسانی که موافقت قیام فرمایند .

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس تصویب نشد .

آقای شیروانی .

(اجازه)

شیروانی - ماشینست تصور می کنم آن مقصود را رساندند نویسی هم چون در زبان ما مقصود را می رساند

لهذا بنده پیش نهاد کردم که تند نویسی نوشته شود در برابر آن هم لفظ استینو گراف اضافه شود اگر دولت قبول کند .

وزیر مالیه - عرض کردم ما قبول می کنیم در صورتی اصلاح می شود .

بعضی از نمایندگان - يك شور بیشتر ندارد .

رئیس پیشنهاد دیگر

(پیش نهاد آقای میرزا آقاخان عصر انقلاب

شرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد می کنم بجای استینو گراف

تند نویسی نوشته شود .

پیش نهاد آقای ارباب کیخسرو بنده پیش نهاد می کنم کلمه ماشینست حذف شود و حفظ همان عبارت تند نویسی کفایت است

رئیس - پیشنهاد زیادی رسید است باید از هم تفکیک شوند . اگر تصویب می فرمائید بماند برای جلسه آتی .

جمعی از نمایندگان - صحیح است .

رئیس - آقای نظام التولیه

(اجازه)

نظام التولیه - نظر باینکه بنده يك نفر از معتقدین الغاء التاب بودم برای استحضار خاطر آقایان خود را معرفی می کنم: اسم فامیلی بنده میرزائی واسم شخص بنده هم عبدالعلی است .

رئیس - آقای روحی .

(اجازه)

روحی - بنده نسبت بکمسیون بودجه خواستم عرض کنم:

در جلسه آتی تکلیفش معلوم شود و این يك کار کوچکی نیست و شاید بعضی از این پیشنهاد ها هم بآن کمسیون برود تکلیف آن کمسیون چه می شود؟ آیا اختیار خواهد داشت رسیدگی کند یا خیر؟ لهذا بنده پیشنهاد کردم که برای جلسه آتی تکلیفش معلوم شود .

رئیس - این يك چیزی است که مطابق نظامنامه است اگر می خواهید تغییر بدهید پیش نهاد کنید

میرود بکمسیون مبتکرات هر روز نمی شود هر چیزی را تردید کرد و جزو دستور قرارداد آقای افشار .

(اجازه)

آقا میرزا رضا خان افشار - بنده می خواستم پیشنهاد کنم لایحه خرید دو دستگاه لک و توبو برای خط آهن آذربایجان در درجه دوم جزو دستور شود .

رئیس - جلسه آتی روز پنجشنبه چهار قبل از ظهر دستور هم خبر کمسیون راجع بامریکائی ها (خطاب به آقای افشار) نسبت بآن مطلبی که فرمودید مراجعه شده است بکمسیون فوائد عامه باید کمسیون جدید تشکیل شود و يك نظری در این باب بکنند و راپورت بدهند .

مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد .

رئیس مجلس شورای ملی حسین پیرنیا - منشی - م شهاب - منشی - دکتر احتشام طباطبائی

**جلسه صد و شصت و یکم**

**صورت مشروح مجلس**

**یوم پنج شنبه هفدهم اردیبهشت**

**۱۳۰۴ مطابق سیزدهم**

**شوال ۱۳۴۳**

مجلس سه ساعت قبل از ظهر ریاست آقای آقا میرزا حسین خان پیرنیا تشکیل

گردید .

(صورت مجلس یوم سه شنبه هفدهم اردیبهشت را آقای آقا میرزا شهاب قرائت نمودند)

رئیس - آقای محمد ولی میرزا (اجازه)

محمد ولی میرزا - بنده در دستور عرض دارم

رئیس - آقای آقا میرزا یدالله خان (اجازه)

میرزا یدالله خان - قبل از دستور عرض دارم

رئیس - آقای دکتر حسین خان بهرامی

(اجازه)

دکتر حسین خان - عرض ندارم

رئیس - آقای عراقی (اجازه)

حاج آقا اسمعیل عراقی - بنده هم قبل از دستور عرض دارم

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - در باب پیشنهاد آقای تقی زاده راجع بلاجه الغاء التاب بنده مخالف بودم و آقای وزیر مالیه هم اظهار مخالفت کردند در صورت جلسه اسمی برده نشده فقط نوشته شده است از طرف آقای تقی زاده پیش نهادی شد و رد شد . بعقیده بنده باید قید شود .

رئیس - اصلاح می شود آقای آقا سید یعقوب

(اجازه)

آقا سید یعقوب - راجع راپورت کمسیون خارجه در جلسه قبل بنده عرضی کردم آنرا در صورت مجلس ننوشته اند خوب است نوشته شود

رئیس - چون صحت نداشت نوشته نشد .

اگر می بایستی آن طور که گفتید بنویسند آن وقت تکذیبی هم که شده بود بایستی نوشته شود . صورت مجلس دیگر ایرادی ندارد؟

(اظهاری نشد)

رئیس - شاهزاده محمد ولی میرزا (اجازه)

محمد ولی میرزا - چندی است راپورتی از کمسیون بودجه تقدیم مجلس شده چون این يك راپورتی است که منافعی آنرا متوجه دولت است و راجع به خرید و عدد لو کوموتیو است

برای خط آهن آذربایجان و چون مدتی است این راپورت مانده است بنده تقاضا می کنم پس از مطرح شدن لایحه استخدام مستخدمین امریکائی در درجه دوم این

لا یجیه مطرح شود  
رئیس - مراجعه شده بود بکمیسیون بودجه و کمیسیون دیگری که موقعش مقتضی شده است و باید کمیسیون جدید در آن نظر کند اگر تصویب کرد عین آنرا و الا رأی برت دیگری پیشنهاد کند.  
آقای میرزا عبدالله خان (اجازه)  
آقای میرزا عبدالله خان - من خوب می دانم که عموم آقایان نمایندگان جدید که ملی داشتند که در دوره پنجم خدمتی به این مملکت و ملت کرده باشند.  
ولی متأسفانه دوره حاضر نزدیک است تمام شود و مقصودشان بانجام نرسد - بنده در قسمت خود خیلی متأسفم  
چنانچه چندین طرح از طرف آقایان نمایندگان بمقام محترم مجلس تقدیم شده است که تماماً عام المنفعه بوده است از جمله پیشنهاد آقای داوری.  
پیشنهاد آقای دولت آبادی و پیشنهاد آقای الوئی و سردار منعم که و اقامت امروز اهالی قزوین از بی آبی نزدیک است کوچ کنند.  
همینطور پیشنهاد آقای دامغانی و سایرین و ابداً معلوم نشده است که این پیشنهادها چه شده است و علت تأخیر آنها چه بوده است و علاوه بر این پیشنهادها يك پیشنهاد هم بنده در يك سال قبل تقدیم کردم نمی دانم در کدام چاله افتاده در حومه طهران در هر سال قریب چهار هزار نفر در اثر مالاریا تلف می شوند و گمان نمی کنم با این پیش نهاد بنده نوع بشر مخالف باشد.  
به یقین تصدیق کنید که سالی سه چهار هزار نفر از این مرض تلف می شوند.  
بنده حالا راجع بان قضایا نمی خواهم عرض بکنم ولی بعضی از پیشنهادها به مجلس می آید و برقی از مجلس می گذرد و تصویب می شود.  
بنده خواستم از مقام ریاست تقاضا کنم که مقرر فرمایند کمیسیون فواید عامه در پیشنهاد بنده يك دقت کاملی نموده زودتر رایورت بدهند و همینطور خواستم بمعموم نمایندگان محترم تذکر بدهم که هر دوره پنجم بآخر رسیده و چیزی باقی نمانده است و در این خصوص دقتی فرمایند.  
رئیس - آقای عراقی (اجازه)  
حاج آقا اسمعیل عراقی - در موقعی که بودجه ۱۳۰۳ به مجلس آمده بود از آقایان نمایندگان ولایات يك پیشنهادی تقدیم کردند که يك وجهی اختصاص داده شود بضمیمه ولایات و در آن موقع هم بنده یادم هست که با یک نفر از اعضاء دولت صحبت می کردم ایشان می گفتند امسال شاید يك قدری اشکال داشته باشم ولی در بودجه سه آتی به ممکن است برای صحیح

ولایات يك معنی مین کرد که تا اندازه صحیح ولایات هم منظم شود.  
این است که خواستم تذکر بدهم کمیسیون محترم بودجه در موقعی که بودجه را می آورند اگر چنین پیش بینی شده است که خوب و اگر پیش بینی نشده است راجع بصحبه ولایات يك دقتی بفرمایند که آنها هم که مالیات می دهند لا اقل يك قدری از جیب صحبه و سلامتی خودشان استفاده کنند.  
رئیس - آقای تدین (اجازه)  
تدین - عرض دارم دستور رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)  
آقا سید یعقوب - بنده هم عرض ندارم.  
رئیس - آقای سهراب زاده (اجازه)  
سهراب زاده - عرضی ندارم رئیس - دستور امروز اولاً رأی برت شبه اول است راجع بنمایندگی آقای شوشتری بعد خبر کمیسیون بودجه راجع به مستخدمین امریکائی و در ضمن هم انتخاب کسری اعضاء کمیسیون انتخاباتی که نسبت بکمیسیون ها می شود فواید سوم است مگر نسبت بکمیسیون معارف که دفعه دوم خواهد بود.  
کسری کمیسیونها هم از قرار است که عرض می کنم کمیسیون قوانین مالیه پنج نفر خارجه و دو نفر داخله سه نفر فواید عامه دو نفر - عدلیه هفت نفر - معارف هم يك نفر آقایان نظار تشریف ببرند بیرون آقایان هم وقتی می خواهند رای بدهند دو نفر تشریف ببرند بیرون شاهزاده معدهاشم میرزا پیشنهاد کرده اند اعتبارنامه آقای شوشتری از دستور امروز خارج شود.  
آقای معدهاشم میرزا (اجازه)  
محمد هاشم میرزا - حالا در خارج با آقای دولت آبادی مذاکره کردیم ایشان نظریاتی داشتند که باید در دوسه کاملاً دقت فرمایند و چون هنوز کاملاً مطالعه نفرموده اند این است که بنده تقاضا کردم اعتبارنامه ایشان از دستور خارج شود - حالا بسته است - به رای آقایان.  
رئیس - آقایانی که این تقاضا را تصویب می کنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)  
رئیس - تصویب شد - خبر کمیسیون بودجه راجع بمستخدمین امریکائی در ماده اولش مذاکرات کافی شد حالا باید پیشنهاد هافراشت شود و رای بگیریم - پیش نهاد آقای شیروانی (اینطور خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم در ماده اول بعد جمله (معلومات مقتضی) اضافه شود و دو تخصص فنی.  
رئیس - آقای شیروانی (اجازه)  
شیروانی - گمان میکنم توضیح مفصلی لازم نداشته باشد برای اینکه استخدام مستخدمین خارجی لازمه اش همان تخصص فنی است و اگر غیر از این باشد ما خودمان هم شاخش زیادی داریم مستخدمین خارجی لازمه شان داشتن تخصص فنی است و گمان میکنم آقای مخبر هم قبول میکنند.  
رئیس - رای می گیریم بقبول توجه بودن این پیشنهاد آقایانی که قابل توجه می دانند قیام فرمایند (اغلب برخاستند)  
رئیس - قابل توجه شد - پیشنهاد آقای شیخ جلال (اینطور خوانده شد)  
بعد از کلمه هشت هزار دلار بر قسمت دوم رأی برت کمیسیون اضافه شود مشروط بر اینکه رئیس اداره و معاون از مدارس عالییه دولت امریکا که برای تربیت آموزین مالیه تاسیس شده تصدیق درجه اول را داشته لا اقل ده سال در ادارات مالیه امریکا مستخدم بوده و بر تبه مدیری نائل شده باشد.  
رئیس - آقای آقا شیخ جلال (اجازه)  
آقا شیخ جلال - بنده این پیشنهادی که کردم تصور میکنم نظارتش در قوانین ادوار گذشته راجع به مستخدمین خارجه بود.  
اگر مجلس اجازه بدهد که بنده مقصود خودم را کاملاً بیان کنم که آقایان درست ملتفت شوند گمان میکنم هیچ اشکالی نداشته باشد (مگر اینکه اشکال دیگری داشته باشد)  
انساندوستی ملت امریکا و قدر دانی ملت ایران موجب شد در موقعیکه زمام امور بدست ملت ایران افتاد برای اصلاح امور اقتصادی دست خود را به سمت ملت امریکادراز کند.  
با اینکه روابط زیاد مالی و تجارتي با ما نداشتند از آن طرف دنیا قبول کردند که باختیار نماینده ایران با ایران يك هیأتی برای اصلاح مالیه ایران بایران فرستند در سنه ۱۳۲۸ يك هیئتی را نمایندند دولت ایران بریاست مستر شوستر برای ایران استخدام نمود و تقریباً در بهترین اوقات ایران در آن موقعیکه ملت ایران قیام آزاد بخوانی کرد و دوره استبداد را بر طرف نمود و زمام امور را در دست گرفت آن هیئت بایران آمدند و با آن ذوق و شوقیکه ملت ایران برای ورود آنها داشت

بالاخره آن ترتیبیاتی که حقیقه اسباب تأمل است فراهم شد و موفق با اصلاح امور نشان دادند انقضای جنگ عمومی دنیا روشن شد که هر کس میتوانست از برای اصلاح امور مالی و سعادت اقتصادی خود قسمی برادر بجای هر اقدامی دولت ایران فقط فواید کرد باینکه يك هیأتی از امریکا بیارند و با آن اشکالاتیکه شاید آقایان در نظر داشته باشند این هیئت را بایران آوردند تقریباً چهار سال مالیه مملکت و بلکه نام امورات مالی و اقتصادی در تحت اختیارهای اعزامی امریکا بود.  
در چه موقعی ؟  
در موقعیکه دولت ایران یقیناً قدرتش از ادوار گذشته زیادتر بود مخصوصاً در سه سال آخر که دولت ایران نفوذ کاملی را دارا بود و مخصوصاً مساعدتهائی که از طرف نظامیها برای پیشرفت امور مالیه با ما آموزین امریکائی میکردند نظار پرش خیلی کم است و تقریباً در مدت چهار سال تمام قوای مادی و معنوی دولت ایران صرف تقویت و تشویق هیأت اعزامی شد که آنها میتوانند اصلاحات مؤثری در مالیه ایران بکنند و ما را از فقر و بدبختی نجات دهند و این چهار سال از متناوب ترین اوقات بود.  
يك سال زمانی بود که اقتدارات کابله در دست آزاد بخوانان و فاتحین انقلاب بود.  
سه سال دیگر بود که اصول ملوک الطوائفی را خاتمه داده و نفوذ مرکزی را در تمام اطراف مملکت بسط و توسعه داده بود.  
با اینحال آیا باید تصدیق کرد که ما موفق به نیل امتخارات خودمان شدیم یا نه ؟  
آیا هیأت اعزامی نتوانستند بوجهد های خودشان وفا کنند و آن نظریاتی که واقعا از روی انساندوستی داشتند انجام گرفت یا خیر ؟  
چون جواب این اظهارات قطعاً منافی است بنده میخواهم عرض کنم ملت تمام بدبختی ما این بود که در آن موقع دولت ایران فقط در شخص رئیس هیئت اعزامی يك دقت کاملی کرد که تخصص کاملی داشته باشد و نسبت به سایر اجزاء و اعضاء يك اطلاعات کاملی را شرط قرار دادند.  
باین جهت بنده پیشنهاد کردم که در رئیس و معاون رئیس کل مالیه شرط شود که لا اقل از مدارس عالی امریکا اعم از اینکه مخصوص مالیه باشد یا نباشد دارای تصدیق نامه درجه اول باشند.  
چرا ؟  
برای این که اگر کسی حقیقه صاحب این درجه از معلومات

باشد معتقد خواهد شد که مسئله احکام عدلیه ربطی بتمهدهات مالی ندارد.  
بنده يك کاغذی دردم که رئیس مالیه نوشته است و وزارت عدلیه که وزارت مالیه احکام محاکم عدلیه را برست نمی شناسد زیرا که موافق کثرتت باید تمهدهات مالی با اجازه من باشد.  
در صورتی که کسیکه موفق به تحصیل اطلاعات و اصول قوانین دنیا شده تصدیق خواهد کرد که مسئله تعهد مالی مربوط به احکام محاکم عدلیه نیست و همه آقایان نمایندگان تصدیق می فرمایند که مجرد اینکه رئیس متخصص باشد کافی نیست چرا ؟ برای اینکه این مراسم در يك موقعی نوشته شده که متخصص ترین اشخاص حقوقی که آقای ذکا المملک باشد در رأس مالیه بوده اند.  
واقعا اگر برای يك هیئتی متخصص رئیس تنها کافی بود این کاغذ نوشته نمی شد.  
لفظ تخصص هم يك امر اضافی است و معلوم نیست که مقدار تخصص چه اندازه است بنده حالا اندازه برای تخصص قائل شده و پیشنهاد کردم که از مدارس عالی امریکائی اعم از اینکه آن مدرسه مخصوص امور مالی باشد یا نباشد دارای تصدیق درجه اول باشند برای اینکه اطلاعات حقوقی و قانونی را داشته باشند که این قبیل کاغذها نوشته نشود و اضافه کردم علاوه بر اینکه صاحب تصدیق نامه باشد ده سال هم در ادارات مالیه مستخدم باشد.  
بدیهی است که ما این آقایان را دعوت کرده ایم و آقایان هم تشریف آورده اند برای اینکه يك اساسی و نقشه طرح کنند و کمک نمایند به مالیه و يك اویج قانونی به مجلس تقدیم نمایند و در مدت این چهار سال هنوز دولت ما موفق نشده است که در اثر مشاوره با آقایان يك قانون تشکیلاتی مجلس پیشنهاد کند و در این مدت سه سال هنوز نتوانسته ایم تمیز بدیم که آیا این قانون تشکیلاتی که از مجلس گذشته اشکالات دارد یا نه ؟ یا امروزه مبنای تشکیل وزارت مالیه بر چه چیز است.  
اینست که بنده پیشنهاد کرده ام علاوه بر دارا بودن تصدیق نامه درجه اول از مدارس عالی امریکا ده سال در ادارات مالیه امریکا مستخدم باشد علاوه بر آن رتبه مدیری هم داشته باشد که حقیقتاً میتواند معاون دکتور میلسیو بشود و در رأس هیئت اعزامی انجام وظیفه کند.  
وزیر مالیه - اشاره که آقای آقا شیخ جلال بامر عدلیه فرمودند اینجا بنده نمی توانم تفصیلاً وارد شوم که چه قضیه و از چه بابت بوده است.  
ولی همین قدر عرض میکنم بواسطه مشکلاتی بوده است که در امر عدلیه بوده

صفحه ۱۱۱۵  
است .  
در عدلیه معا کمة بین اشخاص و دولت در پیش است که محظورات زیاد دارد و تا بحال مطالعات زیادی کرده ام که چه قسم این مشکلات را حل کنیم و شاید هم عنقریب راه حلی پیدا وبمجلس پیشنهاد شود .  
اینست که اجمالاً عرض میکنم بنده یا یکی از اعضاء هیئت اعزامی یا یکی از اعضاء مالیه یا غیره نمیدانیم احکام عدلیه چه حالی دارد و تکلیف مردم چیست ؟  
اینکه می فرمایند قانونی برای تشکیلات مالیه پیشنهاد شده است اولاً یادآوری میکنم و خواهش میکنم از آقای آقا شیخ جلال که برای مبالغه يك حدی قرار بدهند .  
اولاً آقایان امریکائیها تا امروز دو سال و نیم بیشتر نیست که بایران آمده اند و در خدمت دولت هستند و چهار سال نیست .  
تازبا تصدیق میفرمایند که قانون تشکیلات مالیه وقتی که قانون شد یعنی از مجلس گذشت لا یتغیر است منتهی اگر بعد در ضمن عمل يك نواقص پیدا کرد و کارمشکل شد دوباره باید يك لایحه از طرف دولت بمجلس تقدیم شود و اصلاح و الغاء آن را تقاضا کند .  
چنانچه يك قانون تشکیلاتی چند سال قبل از مجلس تصویب شد و بعد يك وزیر مالیه مجبور شد که آن قانون را بیارود بمجلس و الغاء آنرا تقاضا کند .  
همین سبب شد که تا کتون قانون تشکیلات نداریم .  
آقایان امریکائی ها هم که به ایران آمده در طرف این دو سال و نیم بجای اینکه قانون تشکیلاتی بنویسند این ترتیب را ترجیح دادند که تشکیلات مالیه بحال سابق باقی باشد تا در ضمن تجربه معایب و نواقصی را بفهمند و در نظر بگیرند بعد که فهمیدند و معلوم شد چه قسم تشکیلاتی برای این مملکت مناسب است آن وقت آنرا قانون کرده و به مجلس شورای ملی پیش نهاد کنند تا دیگر هر روز محتاج نشویم دخل و تصرف در آن بنماییم .  
و ضمناً تصدیق می فرمایند شخص هر قدر که متخصص باشد بخصوص يك نفر امریکائی در بدو امر که باین مملکت وارد می شود اطلاع از اوضاع مالی این مملکت ندارد .  
زیرا اوضاع مالی امریکا غیر از ایران است و هیچ مربوط با مورد و اوضاع مالی این مملکت نیست .  
یک نفر خارجی هر قدر هم متخصص باشد باز وقتیکه آمد بایران باید در اوضاع ما مطالعه کند تا اطلاعات اساسی بدست آورد و به مرور نظریات و اطلاعات خود را تکمیل کند .

چنانچه آقایان نمایندگان البته مستحضرد می دانند که اطلاعات و عملیات امروزه امریکائیها در باب امور ایران ربطی به سال قبلشان ندارد و طرف مقایسه بنا دو سال پیش نیست البته تدریجاً و به مرور دست خواهد شد .  
تکته دیگری که خاطر آقایان را توجه میکند این است که این مستخدمین جدیدی را که میخواهیم استخدام کنیم به يك کیفیتی انتخاب میشوند که ربطی به مستخدمینی که دوسال و نیم قبل استخدام شده اند ندارد .  
زیرا مستخدمین فعلی را فقط وزیر مختاری که ما در امریکا داشتیم استخدام کرد و او چون مدتی بود از ایران خارج شده بود درست نظریات ما را در استخدام آنها نمی دانست .  
فقط مکلف بود که يك مستخدمین را استخدام و روانه ایران نماید و چون کاملاً به مقتضیات و احتیاجات و نظریات ما آشنا نبوده .  
از این جهت نمی دانست چه بکنند ولی امروزه يك رئیس کل مالیه اینها را استخدام میکند که در ایران بوده و اطلاعات کافی از اوضاع مملکت ما پیدا کرده و این شخص خودش می رود با امریکا و این مستخدمین را کثرتت میکند و اینکه ما عجله داریم که این لایحه زودتر از مجلس شورای ملی بگذرد برای این است که رئیس کل مالیه عازم امریکا است و در مدت این مرخصی که سه چهار ماه خواهد بود و امور است يك کارهایی را انجام دهد در ضمن این چند نفر را هم استخدام خواهد نمود .  
و پس از تصویب این قانون دکتور میلسیو با امریکا و با نظریاتی که در باب اوضاع ایران پیدا کرده این اشخاص را استخدام خواهد کرد .  
و مخصوصاً نسبت باین شخص که موضوع پیشنهاد آقای آقا شیخ جلال است آقایان باید تصدیق فرمایند که دکتور میلسیو این شخص را برای معاونت خودش می خواهد و از این جهت کمال سعی و کوشش را خواهد داشت که این شخص يك کسی باشد که واقعا میتواند باری از دوش او بردارد و با و معاونت کند .  
پس ما نباید از حالا يك قیودی برای این شخص قائل شویم که شاید هیچ صلاح نباشد .  
علاوه بر این خاطر آقایان را متوجه میکنم وقتیکه ما این شرط را قید کردیم آنوقت لازمه اش این است که آن شرایطی را هم که ما باید در مقابل آنها تعهد کنیم سنگین بشود .

و باید بوزارت مالیه و دکتور میلسیو اختیار بدهید که چنین شخصی را بهر قیمت که هست کثرتت کند و این مقتضی صرفه مانخواهد بود .  
از این جهت گمان میکنم هیچ وجه محتاج بچنین شرطی نیست و با اطلاعاتیکه دکتور میلسیو از اوضاع مملکت و مالی ما پیدا کرده و با تجربه ای که در این مدت حاصل کرده بدیهی است خود او کسی را در نظر خواهد گرفت که مقصود ما را تأمین کند .  
و اینکه می فرمایند از فلان مدرسه باید بیرون آمده باشد اصلاً معلوم نیست کسیکه این معلومات را دارد میتواند کاریکه ما در نظر داریم انجام دهد .  
و همینطور بالعکس معلوم نیست کسی که از فلان مدرسه عالی بیرون نیامده باشد نمیتواند این خدمت را انجام دهد .  
پس نظر بدلائل مذکور بهتر این است که با این لایحه موافقت فرمایند و همینطور که نوشته شده رای بدهند و البته ضمناً خود دکتور میلسیو سعی خواهد کرد که این کسیکه انتخاب می شود شخص با اطلاع و بصیری باشد .  
رئیس - آقای سر کشیکزاده (اجازه)  
سر کشیکزاده - ماده هفتاد و دو می گوید هر اصلاحی که پیشنهاد می شود باید دلایل آن بطور اختصار ذکر شود و اگر بنا شود از برای هر اصلاحی يك ساعت صحبت شود امر پیش نمیرود .  
رئیس - رای می گیریم بقبول توجه بودن این پیشنهاد ...  
(خطاب آقای آقا شیخ جلال)  
مقصود چه بود ؟  
آقا شیخ جلال - در قسمت دوم پیشنهاد بنده چون بعضی آقایان می گویند کسی که ده سال خدمت کرده باشد بایران نمی آید .  
لذا بنده قناعت به همان قسمت اول میکنم که قید شود لا اقل تصدیق درجه اول از مدرسه عالی امریکا داشته باشد .  
رئیس - پیش نهاد کنید تارای بگیریم .  
پیشنهاد آقای افشار (شرح ذیل قرائت شد)  
بنده پیشنهاد میکنم ماده اول بطریق ذیل اصلاح شود .  
ماده اول - مجلس شورای ملی به وزارت مالیه اجازه می دهد که بر طبق پیشنهاد رئیس کل مالیه ایران از اتباع امریکائی اصل ایالات متحده امریکا اشخاصی که دارای علم و عمل و تخصص در فن مالیه باشند با مسئولیت رئیس کل مالیه الخ  
رئیس - آقای افشار (اجازه)

لا یجیه مطرح شود  
رئیس - مراجعه شده بود بکمیسیون بودجه و کمیسیون دیگری که موقعش مقتضی شده است و باید کمیسیون جدید در آن نظر کند اگر تصویب کرد عین آنرا و الا رأی برت دیگری پیشنهاد کند.  
آقای میرزا عبدالله خان (اجازه)  
آقای میرزا عبدالله خان - من خوب می دانم که عموم آقایان نمایندگان جدید که ملی داشتند که در دوره پنجم خدمتی به این مملکت و ملت کرده باشند.  
ولی متأسفانه دوره حاضر نزدیک است تمام شود و مقصودشان بانجام نرسد - بنده در قسمت خود خیلی متأسفم  
چنانچه چندین طرح از طرف آقایان نمایندگان بمقام محترم مجلس تقدیم شده است که تماماً عام المنفعه بوده است از جمله پیشنهاد آقای داوری.  
پیشنهاد آقای دولت آبادی و پیشنهاد آقای الوئی و سردار منعم که و اقامت امروز اهالی قزوین از بی آبی نزدیک است کوچ کنند.  
همینطور پیشنهاد آقای دامغانی و سایرین و ابداً معلوم نشده است که این پیشنهادها چه شده است و علت تأخیر آنها چه بوده است و علاوه بر این پیشنهادها يك پیشنهاد هم بنده در يك سال قبل تقدیم کردم نمی دانم در کدام چاله افتاده در حومه طهران در هر سال قریب چهار هزار نفر در اثر مالاریا تلف می شوند و گمان نمی کنم با این پیش نهاد بنده نوع بشر مخالف باشد.  
به یقین تصدیق کنید که سالی سه چهار هزار نفر از این مرض تلف می شوند.  
بنده حالا راجع بان قضایا نمی خواهم عرض بکنم ولی بعضی از پیشنهادها به مجلس می آید و برقی از مجلس می گذرد و تصویب می شود.  
بنده خواستم از مقام ریاست تقاضا کنم که مقرر فرمایند کمیسیون فواید عامه در پیشنهاد بنده يك دقت کاملی نموده زودتر رایورت بدهند و همینطور خواستم بمعموم نمایندگان محترم تذکر بدهم که هر دوره پنجم بآخر رسیده و چیزی باقی نمانده است و در این خصوص دقتی فرمایند.  
رئیس - آقای عراقی (اجازه)  
حاج آقا اسمعیل عراقی - در موقعی که بودجه ۱۳۰۳ به مجلس آمده بود از آقایان نمایندگان ولایات يك پیشنهادی تقدیم کردند که يك وجهی اختصاص داده شود بضمیمه ولایات و در آن موقع هم بنده یادم هست که با یک نفر از اعضاء دولت صحبت می کردم ایشان می گفتند امسال شاید يك قدری اشکال داشته باشم ولی در بودجه سه آتی به ممکن است برای صحیح

ولایات يك معنی مین کرد که تا اندازه صحیح ولایات هم منظم شود.  
این است که خواستم تذکر بدهم کمیسیون محترم بودجه در موقعی که بودجه را می آورند اگر چنین پیش بینی شده است که خوب و اگر پیش بینی نشده است راجع بصحبه ولایات يك دقتی بفرمایند که آنها هم که مالیات می دهند لا اقل يك قدری از جیب صحبه و سلامتی خودشان استفاده کنند.  
رئیس - آقای تدین (اجازه)  
تدین - عرض دارم دستور رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)  
آقا سید یعقوب - بنده هم عرض ندارم.  
رئیس - آقای سهراب زاده (اجازه)  
سهراب زاده - عرضی ندارم رئیس - دستور امروز اولاً رأی برت شبه اول است راجع بنمایندگی آقای شوشتری بعد خبر کمیسیون بودجه راجع به مستخدمین امریکائی و در ضمن هم انتخاب کسری اعضاء کمیسیون انتخاباتی که نسبت بکمیسیون ها می شود فواید سوم است مگر نسبت بکمیسیون معارف که دفعه دوم خواهد بود.  
کسری کمیسیونها هم از قرار است که عرض می کنم کمیسیون قوانین مالیه پنج نفر خارجه و دو نفر داخله سه نفر فواید عامه دو نفر - عدلیه هفت نفر - معارف هم يك نفر آقایان نظار تشریف ببرند بیرون آقایان هم وقتی می خواهند رای بدهند دو نفر تشریف ببرند بیرون شاهزاده معدهاشم میرزا پیشنهاد کرده اند اعتبارنامه آقای شوشتری از دستور امروز خارج شود.  
آقای معدهاشم میرزا (اجازه)  
محمد هاشم میرزا - حالا در خارج با آقای دولت آبادی مذاکره کردیم ایشان نظریاتی داشتند که باید در دوسه کاملاً دقت فرمایند و چون هنوز کاملاً مطالعه نفرموده اند این است که بنده تقاضا کردم اعتبارنامه ایشان از دستور خارج شود - حالا بسته است - به رای آقایان.  
رئیس - آقایانی که این تقاضا را تصویب می کنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)  
رئیس - تصویب شد - خبر کمیسیون بودجه راجع بمستخدمین امریکائی در ماده اولش مذاکرات کافی شد حالا باید پیشنهاد هافراشت شود و رای بگیریم - پیش نهاد آقای شیروانی (اینطور خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم در ماده اول بعد جمله (معلومات مقتضی) اضافه شود و دو تخصص فنی.  
رئیس - آقای شیروانی (اجازه)  
شیروانی - گمان میکنم توضیح مفصلی لازم نداشته باشد برای اینکه استخدام مستخدمین خارجی لازمه اش همان تخصص فنی است و اگر غیر از این باشد ما خودمان هم شاخش زیادی داریم مستخدمین خارجی لازمه شان داشتن تخصص فنی است و گمان میکنم آقای مخبر هم قبول میکنند.  
رئیس - رای می گیریم بقبول توجه بودن این پیشنهاد آقایانی که قابل توجه می دانند قیام فرمایند (اغلب برخاستند)  
رئیس - قابل توجه شد - پیشنهاد آقای شیخ جلال (اینطور خوانده شد)  
بعد از کلمه هشت هزار دلار بر قسمت دوم رأی برت کمیسیون اضافه شود مشروط بر اینکه رئیس اداره و معاون از مدارس عالییه دولت امریکا که برای تربیت آموزین مالیه تاسیس شده تصدیق درجه اول را داشته لا اقل ده سال در ادارات مالیه امریکا مستخدم بوده و بر تبه مدیری نائل شده باشد.  
رئیس - آقای آقا شیخ جلال (اجازه)  
آقا شیخ جلال - بنده این پیشنهادی که کردم تصور میکنم نظارتش در قوانین ادوار گذشته راجع به مستخدمین خارجه بود.  
اگر مجلس اجازه بدهد که بنده مقصود خودم را کاملاً بیان کنم که آقایان درست ملتفت شوند گمان میکنم هیچ اشکالی نداشته باشد (مگر اینکه اشکال دیگری داشته باشد)  
انساندوستی ملت امریکا و قدر دانی ملت ایران موجب شد در موقعیکه زمام امور بدست ملت ایران افتاد برای اصلاح امور اقتصادی دست خود را به سمت ملت امریکادراز کند.  
با اینکه روابط زیاد مالی و تجارتي با ما نداشتند از آن طرف دنیا قبول کردند که باختیار نماینده ایران با ایران يك هیأتی برای اصلاح مالیه ایران بایران فرستند در سنه ۱۳۲۸ يك هیئتی را نمایندند دولت ایران بریاست مستر شوستر برای ایران استخدام نمود و تقریباً در بهترین اوقات ایران در آن موقعیکه ملت ایران قیام آزاد بخوانی کرد و دوره استبداد را بر طرف نمود و زمام امور را در دست گرفت آن هیئت بایران آمدند و با آن ذوق و شوقیکه ملت ایران برای ورود آنها داشت

بالاخره آن ترتیبیاتی که حقیقه اسباب تأمل است فراهم شد و موفق با اصلاح امور نشان دادند انقضای جنگ عمومی دنیا روشن شد که هر کس میتوانست از برای اصلاح امور مالی و سعادت اقتصادی خود قسمی برادر بجای هر اقدامی دولت ایران فقط فواید کرد باینکه يك هیأتی از امریکا بیارند و با آن اشکالاتیکه شاید آقایان در نظر داشته باشند این هیئت را بایران آوردند تقریباً چهار سال مالیه مملکت و بلکه نام امورات مالی و اقتصادی در تحت اختیارهای اعزامی امریکا بود.  
در چه موقعی ؟  
در موقعیکه دولت ایران یقیناً قدرتش از ادوار گذشته زیادتر بود مخصوصاً در سه سال آخر که دولت ایران نفوذ کاملی را دارا بود و مخصوصاً مساعدتهائی که از طرف نظامیها برای پیشرفت امور مالیه با ما آموزین امریکائی میکردند نظار پرش خیلی کم است و تقریباً در مدت چهار سال تمام قوای مادی و معنوی دولت ایران صرف تقویت و تشویق هیأت اعزامی شد که آنها میتوانند اصلاحات مؤثری در مالیه ایران بکنند و ما را از فقر و بدبختی نجات دهند و این چهار سال از متناوب ترین اوقات بود.  
يك سال زمانی بود که اقتدارات کابله در دست آزاد بخوانان و فاتحین انقلاب بود.  
سه سال دیگر بود که اصول ملوک الطوائفی را خاتمه داده و نفوذ مرکزی را در تمام اطراف مملکت بسط و توسعه داده بود.  
با اینحال آیا باید تصدیق کرد که ما موفق به نیل امتخارات خودمان شدیم یا نه ؟  
آیا هیأت اعزامی نتوانستند بوجهد های خودشان وفا کنند و آن نظریاتی که واقعا از روی انساندوستی داشتند انجام گرفت یا خیر ؟  
چون جواب این اظهارات قطعاً منافی است بنده میخواهم عرض کنم ملت تمام بدبختی ما این بود که در آن موقع دولت ایران فقط در شخص رئیس هیئت اعزامی يك دقت کاملی کرد که تخصص کاملی داشته باشد و نسبت به سایر اجزاء و اعضاء يك اطلاعات کاملی را شرط قرار دادند.  
باین جهت بنده پیشنهاد کردم که در رئیس و معاون رئیس کل مالیه شرط شود که لا اقل از مدارس عالی امریکا اعم از اینکه مخصوص مالیه باشد یا نباشد دارای تصدیق نامه درجه اول باشند.  
چرا ؟  
برای این که اگر کسی حقیقه صاحب این درجه از معلومات

باشد معتقد خواهد شد که مسئله احکام عدلیه ربطی بتمهدهات مالی ندارد.  
بنده يك کاغذی دردم که رئیس مالیه نوشته است و وزارت عدلیه که وزارت مالیه احکام محاکم عدلیه را برست نمی شناسد زیرا که موافق کثرتت باید تمهدهات مالی با اجازه من باشد.  
در صورتی که کسیکه موفق به تحصیل اطلاعات و اصول قوانین دنیا شده تصدیق خواهد کرد که مسئله تعهد مالی مربوط به احکام محاکم عدلیه نیست و همه آقایان نمایندگان تصدیق می فرمایند که مجرد اینکه رئیس متخصص باشد کافی نیست چرا ؟ برای اینکه این مراسم در يك موقعی نوشته شده که متخصص ترین اشخاص حقوقی که آقای ذکا المملک باشد در رأس مالیه بوده اند.  
واقعا اگر برای يك هیئتی متخصص رئیس تنها کافی بود این کاغذ نوشته نمی شد.  
لفظ تخصص هم يك امر اضافی است و معلوم نیست که مقدار تخصص چه اندازه است بنده حالا اندازه برای تخصص قائل شده و پیشنهاد کردم که از مدارس عالی امریکائی اعم از اینکه آن مدرسه مخصوص امور مالی باشد یا نباشد دارای تصدیق درجه اول باشند برای اینکه اطلاعات حقوقی و قانونی را داشته باشند که این قبیل کاغذها نوشته نشود و اضافه کردم علاوه بر اینکه صاحب تصدیق نامه باشد ده سال هم در ادارات مالیه مستخدم باشد.  
بدیهی است که ما این آقایان را دعوت کرده ایم و آقایان هم تشریف آورده اند برای اینکه يك اساسی و نقشه طرح کنند و کمک نمایند به مالیه و يك اویج قانونی به مجلس تقدیم نمایند و در مدت این چهار سال هنوز دولت ما موفق نشده است که در اثر مشاوره با آقایان يك قانون تشکیلاتی مجلس پیشنهاد کند و در این مدت سه سال هنوز نتوانسته ایم تمیز بدیم که آیا این قانون تشکیلاتی که از مجلس گذشته اشکالات دارد یا نه ؟ یا امروزه مبنای تشکیل وزارت مالیه بر چه چیز است.  
اینست که بنده پیشنهاد کرده ام علاوه بر دارا بودن تصدیق نامه درجه اول از مدارس عالی امریکا ده سال در ادارات مالیه امریکا مستخدم باشد علاوه بر آن رتبه مدیری هم داشته باشد که حقیقتاً میتواند معاون دکتور میلسیو بشود و در رأس هیئت اعزامی انجام وظیفه کند.  
وزیر مالیه - اشاره که آقای آقا شیخ جلال بامر عدلیه فرمودند اینجا بنده نمی توانم تفصیلاً وارد شوم که چه قضیه و از چه بابت بوده است.  
ولی همین قدر عرض میکنم بواسطه مشکلاتی بوده است که در امر عدلیه بوده



**افشار** - چون ماده اول فقط نظرش با آوردن متخصص در امر مالیه است از امریکا و این عبارت شامل تمام دول امریکا و جزیره فیلیپین هم میشود

بعلاوه ممکن است يك اشخاص ديگرى تبعیت دولت امریکا را قبول کرده باشند از اینجهت بنده پیشنهاد کردم که متخصصینی که استفاده میشوند باید امریکائی الاصل باشند

**رئیس** - رای گرفته می شود به این پیشنهاد

آقایانی که قابل توجه می دانند قیام فرمایند

(ماده قلبی قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد

(پیش نهاد دیگری از طرف آقایان علائی و افشار بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم در ماده اول فقره ۴ اینطور نوشته شود:

برای خدمت تندنویس اسطیغراف و ماشین نویس اکتیوگراف بجای مستر فلانکس يك نفر با حقوق سه هزار دلار انتخاب شود

**رئیس** - آقای افشار (اجازه)

**افشار** - هم چو توضیح داده شد که ماشینت تعبیر و تفسیرهای دیگر هم می شود از این جهت بنده تصریح کردم تا در آیه اسباب اشکال نشده و چیزی دیگری اطلاق نشود

**رئیس** - رای می گیریم

آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه می دانند قیام فرمایند

(چند نفری قیام کردند)

**رئیس** - تصویب شد

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب (بمضمون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که در ماده اول سطر چهارم بعد از کلمه رئیس کل مالیه بین الهالین نوشته شود: تبعه ممالک متحده امریکا

**رئیس** - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

**آقا سید یعقوب** - بنده می خواهم آقای وزیر مالیه یا معاون ایشان یا اعضای معترم کمسیون این مسئله را توضیح بدهند

چون دکتر میلیسیو بر حسب کثرتی که با ما دارد تا دو سال دیگر بیشتر نیست فرض بنده اینست که طوری نشود که يك وقتی رئیس مالیه ما کسی غیر از آمریکائی عقیده بنده این است که رئیس کل مالیه ما و معاون او حتماً باید از تبعه ممالک متحده امریکا باشد

اگر این مقصود تأیید شده است که بنده مرضی ندارم و الا باید این مسئله

مجزز باشد و بنده در مواد بعد هم که نگاه کردم يك ماده که این مقصود را تأمین کند نیست

از این جهت پیشنهاد کردم که نوشته شود تبعه ممالک متحده امریکا

**وزیر مالیه** - در خصوص خود رئیس کل مالیه که دکتر میلیسیو باشد مطلب گذشته و مقصود حاصل است

امانیت به سایر مستخدمینیکه موضوع این لایحه است

اولاً در خود لایحه قید شده است و ثانیاً در کمسیون بودجه هم این مطلب مذاکره شد و عرض کردم که بد کتر میلیسیو این تذکره را داده ایم و او هم تمهید کرده است که کسی را که انتخاب میکند امریکائی باشد مقصود حاصل است

**رئیس** - رای می گیریم به پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

آقایانیکه قابل توجه می دانند قیام فرمایند

(چند نفری قیام کردند)

**رئیس** - قابل توجه نشد

(پیشنهاد آقای آقا شیخ جلال به مضمون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم نسبت به معاون و حساب کل قید شود که از مدارس مالیه امریکا دارای تصدیق درجه اول باشند

**رئیس** - آقای آقا شیخ جلال پیشنهادی کرده بودند بعد مسترد داشتند و این پیش نهاد را فرستادند

حالا باید رای گرفته شود بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه قابل توجه می دانند قیام فرمایند

(چند نفری برخاستند)

**رئیس** - قابل توجه نشده. پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب قرائت می شود

(شرح آنی خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم عوض کلمه دلار نوشته شود تومان.

**رئیس** - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

**آقا سید یعقوب** - علت اینکه بنده رئیس کل مالیه هم در را بر نشان معین کرده اند تقود ایران واحدش قران و اضافش تومان است. و ما هم به یول ایران مستخدم میاوریم. و آن اختلافی که نسبت بد دلار در ماده یازدهم و دوازدهم هست باید ازین بزود از این جهت بنده این پیش نهاد کردم که عوض کلمه دلار تومان نوشته شود.

**مخبر** - این مطلب مرضی الطرفین است و آنها حاضر برای اینکه عوض هشت هزار دلار هشت هزار تومان بگیرند نیستند و برای رفع اشکال در ماده نوشته شده که قیمت دلار اضافه بر قیمت یازده قران و کتر از يك تومان نباشد

با بطور که هر وقت قیمت دلار دوازده

قران یا سیزده قران شد آنها همان یازده قران را بگیرند و هر وقت هم تنزل کرد و هشت قران یا نه قران شد يك تومان را بگیرند و بین يك تومان و یازده قران اگر باشد بشرح

عاده روز دریافت کنند.

وزیر مالیه باید توضیحاً عرض کنم اینکه آقای آقا سید یعقوب می فرمایند اگر با پول ایران باشد عیبی ندارد بلی اگر ممکن بود خیلی خوب بود.

ولی این اشخاص که استخدام میشوند آمریکائی هستند و از پول ما اطلاع ندارند از این جهت پولی را که میگیرند باید به آنها که به پول خودشان چه قدر می شود به علاوه ما نخواستیم مطلقاً دلار باشد به ملاحظه اینکه اگر ترقی در قیمت دلار روی دهد مخالف صرفه ما خواهد بود آنها هم نخواستند تومان باشد برای اینکه ممکن است در پول ایران تنزل حاصل شود و مخالف منافع آنها باشد.

لذا برای اینکه طرفین مأمون باشند اینطور قرارداد شده.

در کمسیون بودجه هم این مذاکرات مفصلاً شد بالاخره اینطور قرار دادیم که طرفین راضی شوند

زیرا ما مطمئنیم که هیچ وقت پیش از یازده قران نخواهیم داد آن ها هم مطمئنند که کمتر از يك تومان نخواهند گرفت و این ترتیب هیچ ضرر ندارد.

**رئیس** - رای میگیریم به اصلاح آقای آقا سید یعقوب. آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(چند نفری قیام کردند)

**رئیس** - تصویب نشد. پیشنهاد آقای طهرانی (بشرح ذیل قرائت شد)

این بنده پیشنهاد می نمایم که دو ماده اولی چنین اصلاح شود:

ماده اول - مجلس شورای ملی وزارت مالیه اجازه می دهد که بر طبق پیش نهاد رئیس کل مالیه ایران از اتباع ممالک متحده امریکا اشخاصی که دارای معلومات مقتضی باشند تا آخر مدت کثرتات فعلی رئیس کل مالیه به جهت خدمت الخ

**رئیس** - آقای طهرانی (اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی - متأسفانه بنده به قانون که مراجعه کردم استخدام مستر شوستر را ندیدم ولی بغضدارم که در آن وقت وقتی که اسباب رفتن مستر شوستر از ایران فراهم شد و بعد بواسطه خاطر يك جهات سیاسی برای خزانه داری کل در این مملکت استخدام شدند همان حقوق و قانونی که از برای مستر شوستر معین شده بود در باره آن اشخاص هم معین شد حالاً البته عموم ایرانی ها از رئیس خزانه داری کل کلنل و دکتر میلیسیو

کمال تشکر را دارم و ایشان مستخدم خدمت گذاری هستند.

ولی باید ملاحظه چیز دیگری را هم کرد و آن

این است که این لایحه از سه سال تا پنج سال بدولت حق می دهد که دوازده نفر امریکائی را مستخدم بکند

در صورتیکه از صدر تا ذیل این قانون عبارت (رئیس کل مالیه) را دارد و حال آنکه معلوم نیست در تمام این مدت این مدت این اختیار و اقتدار نسبت به این دوازده نفر مستخدمین امریکائی برای او هست؟

یا این که پس از انقضای دوره کثرتات دکتر میلیسیو اشخاص دیگری روی کار خواهند آمد؟

و این حقوقی را دریافت خواهند کرد و همین معامله که با دکتر هست با آنها هم خواهد شد.

همان طور که در سابق گرفتار شدیم بنا بر این فرغ یازده بر اصل نباید باشد یعنی اشخاص را که ما استخدام می کنیم مدت خدمت شان بامدت خدمت رئیس مالیه یکی باشد و پس از انقضای مدت کثرتات دکتر میلیسیو اگر قرار شد کثرتات او تجدید شود که این دوازده نفر را هم در مرتبه استخدام خواهیم کرد

نه این که ما این دوازده نفر را حالا برای مدت پنج سال استخدام کنیم و حال آنکه دوسال دیگر با انقضای کثرتات خود دکتر میلیسیو که رئیس کل مالیه است.

بیشتر باقی نمانده و معلوم نیست که بعد از این مدت رئیس کل مالیه همین است یا يك اشخاص دیگری خواهند بود که بجای مملکت مضر باشند.

وزیر مالیه اولاً آقایان بخاطر بیاورنده که این مسئله هیچ محل مقایسه با قانون بیست و سوم جو زانیت

قانون بیست و سوم جو زانیت يك قانونی بود که از مجلس گذشته بود راجع بخرانه داری کل نه راجع به مستر شوستر و آن وقت هم که مجلس شورای ملی آن قانون مالیه به جهت خدمت الخ

**رئیس** - آقای طهرانی (اجازه)

و هیچ تصور نمی کرد که مستر شوستر و هیئت امریکائی با آن ترتیبات ناگوار ممکن است از ایران بیرون بروند.

در هر صورت آن قانون خزانه داری بود نه قانون شخص و وقتی هم که مستر شوستر رفت قایم مقام او هم دارای همان حقوقی که در آن قانون بود قهرامی شد و متأسفانه در آن اوقات مجلس شورای ملی هم نبود که در صورت اقتضا اختیارات خزانه داری کل را فو کند.

ولی امروزه اولاً آن ترتیبات هیچ

نیست و امیدواریم بعد ها هم نباشد و ثانیاً - اختیار اینکه بد کتر میلیسیو داده شده است بشخص او داده شده است و بموجب کثرتات او تصریح شده است که این امتیازات مخصوص این آدم بخصوص است و اگر او نباشد مجلس شورای ملی و دولت می تواند این اختیارات را بدیگری بدهد یا ندهد

و تصوری کنم مدت بقاء میلیسیون آمریکائی در ایران که بموجب کثرتات دوسال ونیم دیگر باقی مانده بیش از این ها باشد و گمان نمی کنم دوره استخدام آنها به همین مدت ختم شود

و همچو تصور می کنم که پس از انقضای دوره کثرتات ما از خدمات آنها راضی باشیم و تصدیق هم می کنیم که هنوز احتیاجات ما از وجود آنها بر طرف نشده و با وجود آنها را لازم داشته باشیم

در هر صورت از مدت کثرتات دکتر میلیسیو فقط دوسال ونیم دیگر باقی است و تا این قانون از مجلس تصویب شود و دکتر به امریکا برود.

و مستخدمین جدید را استخدام کند مدتی طول خواهد کشید سه چهار ماه اقل وقت لازم خواهد داشت

و در این صورت دوسال دیگر بیشتر باقی نخواهد بود و نمی شود

ما این اشخاص را فقط برای دو سال استخدام کنیم خود آنها هم حاضر و راضی نخواهند بود که به خودشان زحمت بدهند و از امریکا بیارن بیایند

فقط برای مدت دوسال از این جهت همچو تصور می کنم که این چیزی را که آقای طهرانی پیش نهاد کرده اند نه محل حاجت است و نه مفید بلکه اسباب ضرر هم خواهد بود.

**رئیس** - رای گرفته می شود

آقایانی که پیش نهاد آقای طهرانی را قابل توجه می دانند قیام فرمایند

(چند نفری برخاستند)

**رئیس** - تصویب نشد. پیشنهاد آقای دست غیب بنده پیشنهاد میکنم آخر فقره سوم از ماده اول ماده دست غیب

بنده پیشنهاد میکنم آخر فقره سوم از ماده اول نوشته شود. با فایده تخصص فنی

**جمعی از نمایندگان** - این پیشنهاد رد شده است

**رئیس** - پیشنهاد دیگری است قرائت می شود.

(باین مضمون قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم که پس از مقتضی و تخصص فنی آشنائی بزبان فرانسه هم تالاره شود

مهدی زاهدی

**دست غیب** - پیشنهاد بنده چه شد

**رئیس** - پیشنهاد دیگری رای داده

شدد شد

**دست غیب** - صحیح است

**رئیس** - آقای میرزا مهدی خان زاهدی (اجازه)

**زاهدی** - در صورتیکه مستخدمین امریکائی آشنائی بزبان فرانسه داشته باشند بهتر میتوانند اطلاع از امور پیدا کرده و ما زیاد تر میتوانیم از آنها استفاده کنیم.

و چون اکثر مأمورین وزارت مالیه زبان فرانسه میدانند از این جهت کارها برای آنها خیلی سهل شده و وقت هم کمتر تلف شده.

**وزیر مالیه** - این نکته را هم ما در نظر داشته ایم و دکتر میلیسیو را هم متذکر نموده ایم که اگر مستخدمین را از میان کسانی انتخاب کند که زبان فرانسه را بلدند خیلی بهتر است و خود او هم این مسئله را ملتفت شده ولی شرط کردن این نکته حالا زومی ندارد

برای اینکه شاید موفق نشد زبرد امریکا زبان فرانسه این قدرها رایج نیست و در آنها فرانسه دان خیلی کم است برای اینکه امریکائیها يك ملتی هستند که بزبان انگلیسی خودشان صرف میزنند و محتاج نیستند زبان فرانسه را بیاموزند از این جهت اگر بنا شود حالا این شرط را قید کنیم ممکن است دوچار مضیقه شویم ولی چنانچه عرض کردم خود دکتر میلیسیو متوجه این نکته شده و حتی الامکان رعایت این مسئله را خواهد کرد.

**رئیس** - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(ممدودی برخاستند)

**رئیس** - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای شریعت زاده (بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم - جمله بجای مستر کر از قسمت اول ماده حذف شود

**رئیس** - آقای شریعت زاده (اجازه)

**شریعت زاده** - در قسمت اول ماده مینویسد برای ریاست محاسبات بجای مستر کر باید یک نفر استخدام شود بنده پیشنهاد کردم که بجای مستر کر حذف شود زیرا این کس که انتخاب می شود رئیس محاسبات خواهد بود. دیگر احتیاجی ندارد که بجای مستر کر نوشته شود.

مثل ایران مستشار برای چه استخدام می کند بعد استخدام کند در مالکی که يك قدری از تمدن دور تر از ما هستند یا شبیه بیست سال سی سال پیش ما بوده اند

(اینطور قرائت شد)

پیشنهاد مینمایم که در قسمت اول ماده اول و قسمت اول ماده دوم نوشته شود و متخصص

**رئیس** - آقای دکتر آقابان (اجازه)

**دکتر آقابان** - بنده لازم نمیدانم توضیح مفصلی عرض کنم صحبت سر آمدن اتباع خارجه نیست بلکه سر آوردن متخصص است و این متخصصینی که می آیند باید عمل کرده داشته باشند.

آقایانی که از تحصیلات امریکائی ها اطلاع دارند می دانند که تصدیق نامه و معلومات تنها کافی نیست و وقتی که بنا شد يك نفری را ما بیاوریم علاوه بر تصدیق نامه و معلومات علمی عملاً هم باید متخصص باشند تا بتوانیم در آن کاری که او را بان کار می گذاریم کاملاً مربوط باشد ملاحظه بفرمایید در در قسمت چهارم این ماده مینویسد

يك نفر تند نویس بجای مستر فلانکس ولی مشروط بر اینکه وقتی تند نویس آمد در مملکت بیچاره ما فقط تند نویس باشند اینک بسمت امانت مالیه کرمانشاه یا فلان جا برقرار شود و بدیهی است يك نفر ایرانی که مدتی در وزارتخانه کار کرده باشد

و از این که از اوضاع امانت مالیه بی اطلاع باشد باز لایق تر از يك نفر تند نویس بلژیکی یا چینی است که بدون سابقه و تخصص فرضاً با امانت مالیه کرمان یا یزد برود

**رئیس** - پیشنهادی که آقای شبروانی کردند و رای در آن گرفتند و قبول شد این پیش نهاد هم در ضمن آن قبول شده است

(پیشنهاد آقای شبروانی بشرح ذیل قرائت شد)

بنده بصره ذیل را پیشنهاد میکنم

بصره - رئیس کل مالیه مکلف است که یکی از دوازده نفر متخصصین فوق را از متخصصین نطق استخدام نماید و چنان چه برای این کار اعتبار زیادتری لازم شود بوسیله وزیر مالیه به مجلس شورای ملی پیش نهاد کند.

**رئیس** - آقای شبروانی. شبروانی - بنده این جا شرفیاب خدمت آقایان شدم که يك قدری بیشتر در این باب توضیح بدهم شاید قابل توجه شود چون می بینم اساساً يك صورتی بخودش گرفته که بعضی از پیش نهادهای خوب را هم رد می کنند

باید اول فهمید يك مملکتی مثل ایران مستشار برای چه استخدام می کند بعد استخدام کند در مالکی که يك قدری از تمدن دور تر از ما هستند یا شبیه بیست سال سی سال پیش ما بوده اند

در آن جا ها استخدام مستخدمین خارجی ما از لحاظ انحطاط مدنی آن جامعه است یا از نقطه نظر جهل عمومی است که کاملاً بوضعیات جاهل باشند یا از این نقطه نظر است که تشکیلات مملکتی طوری بطرز قدیم تدوین شده است که باید او را بکلی بر گردانند

و يك تشکیلات متناسب با عصر حاضر بدهند يك قسمت دیگر هم داشته است که که شاید در قدیم هم در ایران معمول بوده که حکومت مرکزی این اندازه هائی توانسته است قدرت خودش را اعمال کند و بدست يك نفر خارجه بهتر می توانسته است اقتدارات را تمرکز بدهد

بنده عقیده ام این است که این چهار اصل هیچ کدام در مملکت ما ایجاد مستخدمین خارجی را نمی کند

اولاً تشکیلات ما این قدرها خراب نیست ممکن است خراب باشد ولی اصلاح خرابی را اگر کمی هم باشد

در صورتی که بخواهیم می شود اصلاح کرد که این که در بعضی ادارات کرده اند

پس تشکیلات ما این قدرها ناقص نیست که مستخدم خارجی بخواهد

گمراک ما وقتی مستخدم آوردیم طرز دیگری بود پس از آمدن مستخدمین گمراک ما باید یا مالیه طرز دیگری پیدا کرد و دیگر مستخدمین خارجی نمی آوریم که تشکیلات را درست کند و ناقص را خودمان باید درست کنیم

این قدرها هم جامعه ما دیگر در جاده انحطاط نیست که بخواهند خارجی ها بیایند ما را بوضعیت دنیا آشنا کنند

ما اگر بخواهیم این قدرها می توانیم بوضعیت دنیا آشنا شویم

پس بعقیده بنده فقط دو نقطه نظر استخدام مستخدمین خارجی را امروز در ایران ایجاد می کند

اول تبدیل بودجه و تبعه يك پروژه های جدید یا مالیاتی بطرز امروز دنیا و انشاء مالیات های عجیب و غریبی که از قدیم با رت نگاه داشته ایم - این یکی از جهات لزوم استخدام خارجی است ( بنده که این طور تصور می کنم)

دوم از زیاد عایدات از منابع ثروت ما و اصلاحات اقتصادی و جلب سرمایه های خارجی

این دو اصل است که به عقیده بنده ما را وادار می کند که از خارجه مستشار بیاوریم و الا ما بقی را آنچه که سابق بوده و ایجاد می کرد امروز نداریم و امروز غالباً وزراء و رؤسای ادارات ما و معاشنان قدر خارجه تحصیل کرده اند و اگر بخواهند کار بکنند هم لایق هستند و هم اگر اختیارات به آنها داده شود می توانند کار کنند چنانچه



گرفته اند و می کنند ما فقط می خواهیم ترتیب بوده مملکت را بطریق سایر ممالک متمدنه اروپا درست کنیم و مالیات هائی را که امروز در این جا هست برداریم و یک مالیات هائی بشکل سایر جا های دنیا بجای آنها بگذاریم و در ضمن هم جلب سرمایه های خارجی را بکنیم که به وسیله سرمایه آن ها منابع ثروت خودمان را بکار بیندازیم.

یکی از مهمترین مسائلی که امروز در ایران باید مورد توجه دولت و مجلس شورای ملی و عامه مردم واقع شود موضوع نفت است مسئله نفت نظر تمام دنیا را جلب کرده و اتفاقاً یکی از ممالک نفت خیز دنیا مملکت ماست بنده میخواهم به بینم در مملکت ما آن اقدامی که از طرف خود ما راجع به نفت شده چه بوده؟

جز اینکه يك امتیازی که از دوره های پیش داده شده است رفته اند سهم خودشان فرضاً بدون اینکه يك دینار حیف و میل شده باشد گرفته اند؟

دیگر چکار کرده اند آن عمل نفتی که در این مملکت شده چه بوده است من گمان نمی کنم يك تمدنی در این کار بوده است که توجهی به نفت نشده بلکه تصور می کنم يك قدری غفلت شده است.

ما برای معارف مدارس زنانه برای عدایه برای مالیه مستخدم خارجی می آوریم بنده هم لازم میدانم و طرفدار اینهم هستم که برای تمام ادارات باید مستشار خارجی بیاوریم.

برای اینکه از معلومات آنها استفاده کنیم.

ولی موضوع نفت در ایران يك موضوعی هست که امروز چه از نقطه نظر آنچه در جریان است و چه از نقطه نظر اهمیت موضوع و چه آن قسمتی که الان در دست عمل است و در اطرافش صحبت می شود.

باید بیشتر مطمح نظر مجلس شورای ملی واقع شود و بایستی يك قدری بیشتر اطلاعات داشته باشیم تا بتوانیم در اطراف آن کار کنیم.

البته در مملکت ما يك مدارس عالی نبوده است که متخصصین نفت تربیت شوند و متأسفانه اشخاصی هم که در خارج رفته اند و تحصیل کرده اند این يك قسمت در نظر نبوده و در آنجا در يك معادنی کار نکرده اند و در يك مدرسه این فن را عملاً تحصیل ننموده اند که بتوانیم از آنها استفاده کنیم.

بنابراین بنده معتقدم حالا که رئیس کل مالیه میروند با آمریکا و دوازده نفر مستخدم آمریکا هم متخصص فنی میآورند در ضمن یکی از آنها را که ممکن است

در یکی از نقاط مملکت ما که مرکز نفت است مأموریت مالی پیدا کند این تخصص را داشته باشد استخدام کنند گمان میکنم داشتن این تخصص گناهی هم نداشته باشد و اگر در پیشنهاد بنده ملاحظه بفرمائید در آن جا تذکر داده شده که ممکن است يك خرج بیشتری اینکار پیدا کند ولی حالا نمی دانیم چقدر است.

رئیس کل مالیه میروند با آمریکا و در آن جا مطالعات و تحقیقات می کنند و می بینند يك نفر متخصص نفت چقدر زیاد تر از این مبلغ که پیش بینی شده باید باو داده شود آنوقت بتوسط وزیر مالیه و دولت تلگرافاً اطلاع میدهند که بکنفرانز اینها که مجلس شورای ملی تصویب کرده است که متخصص نفت باشد در سال این مبلغ حقوق می گیرد.

در آن صورت بنده عقیده ام اینست که در آن موقع مجلس شورای ملی هم با آن نظریاتی که مخصوصاً امروز راجع بامر نفت است تصویب می کنند.

**وزیر مالیه** - این مسئله که آقای شیروانی پیشنهاد کردند ممکن است صحیح باشد و لازم هم داشته باشیم اینكه يك نفر متخصص نفت بیاوریم ولی توجه میدهم آقایان را که این لایحه را ما برای احتیاجات مالیه پیشنهاد کرده ایم و همان طوری که خود آقای شیروانی متوجه بودند البته متخصصین نفت باین مبلغ ها نخواهند آمد و مبلغ زیادتری لازم دارد.

ممکن است آقایان باین لایحه رای بدهند بعد در موقعی که دولت احساس این احتیاج را بکند ممکن است بتوسط وزارت بکند والیته مجلس شورای ملی هم تصویب خواهد کرد.

**شیر وانی** - بنده پیشنهادم راجعاً مسترد میکنم چون میل ندارم رد شود **رئیس** - پیشنهادات دیگری هست اگر اجازه می فرمائید بماند برای بعد از تنفس.

**جمعی از نمایندگان** - صحیح است (در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از يك ساعت مجدداً تشکیل گردید)

**رئیس** - از آقایان فقط هفتاد و دو نفر در انتخابات شرکت کرده اند برای اینکه نتیجه از انتخابات گرفته شود لازم است هفتاد نفر دیگر رای بدهند.

تصانیف شده است که تلگراف شاهزاده سالار الدوله در مجلس علنی قرائت شود ولی مطابق نظامنامه باید هر ایش بکمیسیون هریض برود و از آن جا بیاید به مجلس ارسال میشود بکمیسیون اگر لازم شد روز

شبه قرائت میشود.

**جمعی از نمایندگان** - صحیح است (مجدداً ماده اول ویرت کمیسیون بوده راجع به مستخدمین آمریکائی مطرح و پیش نهادی از طرف آقای حاج میرزا عبدالوهاب)

(بمضمون آتی قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم حداقل دوازده هشت قران و حداکثر يك تومان مین شود عبدالوهاب

**رئیس** - آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - چون امروز دوازده هشت قران است و اگر بنا باشد حداقل يك تومان باشد بنده نمی دانم این دو قران چرا اضافه شده و ازری همین حساب ده هزار دلار دوازده هزار سیزده هزار دلار می شود امروز که قیمتش هشت قران است.

اگر هم ترقی کند يك تومان می شود علاوه این ها را برای مملکت ما استخدام می کنند و باید با پول ما استخدام شوند و همان طوری هم که آقای آقا سید یعقوب پیش نهاد کردند.

اگر بنا باشد پول ما را تشخیص ندهند چطور می توانند مالیه مملکت ما را مرتب بکنند باید مقیاس يك تومان باشد که حدش معلوم باشد.

که در سال کم و زیاد بود چه مملکتی معلوم باشد که ده هزار تومان مثلاً یکی و چقدر دیگری داده می شود بنابراین بنده با آن حداقلی که این جا ذکر شده مخالفم برای این که اگر حد اقل بود همان یازده قران را خواهند گرفت اگر زیاد تر شد نردا پیش نهاد می کنند که این ها بغیال اینکه دلار یازده قران بوده قبول کرده اند و حالا دلار شده است سیزده قران یا فلان قدر و کسر بود چه پیدایمی کنند برای کسر بود چه آنها پیشنهاد می آورند بمجلس و می گویند فلان قدر باید اضافه شود و از این جهت بنده این پیش نهاد رد کردم.

مخبر - اولاً بنده این را برای اطلاع خاطر آقا عرض کنم که موضوع این پیش نهاد در این ماده نیست برای اینکه يك ماده مخصوصی داد که مانعیت دلار را در آن جا معین کرده ایم و خواهد آمد و این پیش نهاد جایش در آنجا است و آن ماده ده است.

ثانیاً برای اطلاعشان عرض میکنم که قیمت دلار هیچ وقت هشت قران نبوده و منتهای درجه تنزل دلار امروز است که نه قران است و در آن موقعی که مستشاران آمریکائی کثرت داشتند و به ایران آمدند در آن موقع یازده قران و هفت شاهی بود علاوه همان طوری که آقای وزیر

مالیه فرمودند وقتی که در آنجا استفاده می شوند باید بدانند با چه حقوقی مستخدم می شوند آنها آشنائی با پول ما ندارند و نمی توانند باینک چیز موهومی مستخدم شوند بیابند این جا.

(پیش نهاد آقای دکتر آقایان بشرح آتی خوانده شد)

بنده پیشنهاد می کنم همان طوری که نسبت به مستخدمین بلژیکی عمل می شود مستخدمین آمریکائی نیز به آن ترتیب انتخاب شوند.

یعنی توسط وزارت مالیه آمریکا وزیر مختار دولت علیه و رئیس کل مالیه و دکتر آقایان

دکتر آقایان - اهمیت انتخاب مستشارانی که ما بمملکتمان دعوت می کنیم به هیچ يك از آقایان نمایندگان پوشیده نیست.

آقای وزیر مالیه در ضمن صحبتشان فرمودند که رئیس مالیه اگر در انتخابات گذشته بعضی انتخابات صحیح نشده دیش عدم تجربه ایشان بوده راجع بکارهای مملکتی

ولی حالا که دوسال ونیم است در مملکت توقف فرمودند قطعاً يك اطلاعاتی پیدا کرده اند و انتخابات بهتری می کنند

قطعی است که مملکت بتخصص دکنر میلیسو اطمینان داشته است

و اگر نداشت دولت ابلاغ نمی کرد که ایشان دوسال قسمت اخیر کثرت ایشان را می توانند باقی باشند بنابراین این اطمینان جای خودش هست

ولی دولت يك لایحه دیگری برای مستخدمین بلژیکی پیش نهاد کرده و با اینکه رئیس کل گمرکاتیکه داویم طرف اعتماد دولت و ملت هم هست و بیست سال هم خدمت کرده باوصف این در آن پیش نهاد قید کرده است

برای اینکه توافق نظر وزیر مختار دولت علیه در بروکسل و وزارت مالیه بلژیک و پیش نهاد میلیسو شرایط است برای انتخاب يك نفر مأمور آنهم در چه کاری؟

در گمرکات آقایان کلاً می دانند که کار گمرک مثل يك ماشینی است و از عهده این کار بر آمدن سهل تر است تا اداره کردن يك شعبه از مالیه پس اگر برای انتخاب يك نفر مأمور گمرکات دولت تمام این تصمیمات را در نظر می گیرند

هیچ دلیل ندارد که برای انتخاب مأمورینی که رتبه شان عالی تر است همین همان ترتیب را در نظر نگیرند آنچه گذشته گذشته و در انتخابات

اعضای جدید و مستخدمینی که دعوت می کنیم در مملکت خودمان بایستی تمام این دقت ها بشود.

**رئیس** - آقایانی که این پیش نهاد را قابل توجهی دانند بفرمائید (عده کمی برخاستند)

**رئیس** - تصویب نشد

**پیش نهاد آقای روحی** (بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیش نهاد می کنم که بجای (ماشینست) تند نویس نوشته شود.

**رئیس** - (خطاب با آقای روحی) بفرمائید روحی در جلسه قبل در موضوع ماشینست صحبت شد که این لغت کافی نیست برای آن مقصودی که در نظر دارند و در ضمن يك لغت دیگری از قبیل استنوگرافی و غیره این جا اظهار شد و تصور نمی کنم صلاحیت داشته باشد که امریکائی ها هم مثل بعضی از ایرانی ها هزار پشه باشند یعنی هم از مالیه اطلاع داشته باشند و هم از تند نویسی.

چندی قبل يك مسئله محل ابتلا شده بود و شکایات زیادی اصناف یزد میرسد مبنی بر اینکه مالیاتهای اضافی از شأن می خواهند که سابقاً معمول نبوده.

مراجعه بوزارت مالیه شد معلوم شد که آقا رفته اند آنجا و میزی کرده اند و مالیاتها را اصلاح کرده اند.

مثلاً ماشین جوراب بافی که بقوه برق حرکت می کنند آنجا وارد کرده اند نشان روی آن مالیات گذاشته اند و این ماشین باین کوچکی در سال هشتاد تومان باید مالیات بدهد

در صورتی که ما داریم کمر کشش را هم از بین می بریم و ایشان رفته اند مالیه ما را اصلاح کرده اند

مثلاً لبو فروش که شلغم و چغندر را لبومی کند و می فروشد ایشان رفته اند روی اینها يك مالیاتی گذاشته اند و همین طور برای عامه بیچ رفته اند يك مالیاتی معین کرده اند.

خیلی این طور چیزها دارد و صورت این مالیاتها را امضاء کرده و فرستاد اینجا.

بنده فکر کردم دیدم باید حقیقه به مستخدمین آمریکائی تذکره کرد که اشخاص را متناسب با کاری که می دهند انتخاب کنند بدبختانه آقای ذکا الملک وزیر مالیه و آقای معاونشان هم در وزارت خانه خودشان زبان بسته و يك کجی نشسته اند ولی در مجلس برای جواب دادن باها زبانشان دراز است و يك سوالهایی که می شود يك جوابهایی می دهند که هیچ مطابق سوال نیست و خیلی هم جدی هستند ولی در وزارت مالیه بقدر يك نقرتبات هم نمی توانند دخالت در کار بکنند.

**رئیس** - آقای حائری زاده.

(اجازه)

**حائری زاده** - در استخدام دکنتر میلیسو موقعی که از مجلس گذشت و اختیاراتی

برایشان در نظر گرفته شد يك چند نفر را اختیار ایشان گذاشتند که انتخاب کنند بيکی عالم احصائیه بود و يك نفر منشی که فرانسه بداند و يك نفر هم معرر که حالا اسمش را تند نویس گذارده اند و گویا آقای فلانکس رئیس مالیه یزد شده

باید دید که ما برای چه امریکائی ها را استخدام کرده ایم اگر يك کسی که هیچ اطلاعات نداشته باشد برای يك کاری می خواستیم خودمان فراوان داشتیم پس برای این بود که کار را باهلس بسیارند که با اطلاعات و معلوماتیکه دارد وضعیت خراب مالیه ما را اصلاح بکنند.

يك نفر آدم همین که امریکائی شد اصلاح نمی کند.

يك نفر که در فن تند نویسی اطلاع داشته باشد گمان نمی کنم در فن مالیه هم تخصص داشته باشد و ما تصور نمی کردیم که امریکائی ها هم مثل بعضی از ایرانی ها هزار پشه باشند یعنی هم از مالیه اطلاع داشته باشند و هم از تند نویسی.

چندی قبل يك مسئله محل ابتلا شده بود و شکایات زیادی اصناف یزد میرسد مبنی بر اینکه مالیاتهای اضافی از شأن می خواهند که سابقاً معمول نبوده.

مراجعه بوزارت مالیه شد معلوم شد که آقا رفته اند آنجا و میزی کرده اند و مالیاتها را اصلاح کرده اند.

مثلاً ماشین جوراب بافی که بقوه برق حرکت می کنند آنجا وارد کرده اند نشان روی آن مالیات گذاشته اند و این ماشین باین کوچکی در سال هشتاد تومان باید مالیات بدهد

در صورتی که ما داریم کمر کشش را هم از بین می بریم و ایشان رفته اند مالیه ما را اصلاح کرده اند

مثلاً لبو فروش که شلغم و چغندر را لبومی کند و می فروشد ایشان رفته اند روی اینها يك مالیاتی گذاشته اند و همین طور برای عامه بیچ رفته اند يك مالیاتی معین کرده اند.

خیلی این طور چیزها دارد و صورت این مالیاتها را امضاء کرده و فرستاد اینجا.

بنده فکر کردم دیدم باید حقیقه به مستخدمین آمریکائی تذکره کرد که اشخاص را متناسب با کاری که می دهند انتخاب کنند بدبختانه آقای ذکا الملک وزیر مالیه و آقای معاونشان هم در وزارت خانه خودشان زبان بسته و يك کجی نشسته اند ولی در مجلس برای جواب دادن باها زبانشان دراز است و يك سوالهایی که می شود يك جوابهایی می دهند که هیچ مطابق سوال نیست و خیلی هم جدی هستند ولی در وزارت مالیه بقدر يك نقرتبات هم نمی توانند دخالت در کار بکنند.

در صورتی که رئیس مالیه باید در تحت نظر وزیر مالیه کار کند و آقای وزیر مالیه باید ایشان را راهنمایی کنند و بهشان حالی کنند که تند نویس برای مأمور مالیه خوب نیست.

نه اینکه ساکت و صامت بنشینند و راجع بلوایچی که بمجلس فرستاده می شود یا فکر مترجم کار کنند و البته اگر يك نفر تند نویس خواسته باشند ماهی صد دلار کفایت می کند

ولی اگر يك آدم هزار پشه می خواهند آقا هم افلاک آدم با اطلاعی را انتخاب کنند که اگر تند نویس را رئیس مالیه کردند دیگر برای لبو فروش مالیات وضع نکند از این جهت

ممکن است بنده پیش نهادم را مسترد نمایم.

ولی اساس نظرم این بود که نقطه نظر تخصص محفوظ باشد.

معاون وزارت مالیه - پیشنهاد آقای حائری زاده تغییری که در این فقره از ماده داد فقط تقلیل مبلغ بود و چیز دیگری نبود و گمان می کنم که برای دلائل و وجوب قلیل این مبلغ ذکر قضایای یزد و اینکه يك نفری را که برای سستی می آوردند برای سمت دیگر لازم نبود و در هر صورت ممکن است مأمورین يك وزارت خانه با يك اداره در مواضع لازم شود که در يك کار دیگری موفقاً برقرار شوند چنانکه فلانکس را بعنوان امین مالیه به یزد فرستادند و مدتی هم در آنجا مانده است و مسئله اینکه مالیاتی به ماشین جوراب بافی تحمیل کرده اند ما هیچ اطلاعی هم چومبلی باین اسم در وزارت مالیه نداریم.

حائری زاده - صورتش اینجا موجود است.

معاون وزارت مالیه - همین طور فرضاً اگر مالیاتی برای عامه بیچ ها مقرر شده است.

این يك چیزی نبوده است که ابتکار کرده باشد یا يك تحمیل جدیدی باشد اینها يك مالیاتهایی است که خاطر محترم آقا هم البته متوجه هست که از سابق معمول بود و در جزو جمع ها بوده است چنانچه برای کلاه دوز هم يك مالیاتی مقرر شده است و از این مالیاتها در سابق بوده است و ممکن است ایشان در آنجا بحسب ضرورت تعدیلی کرده باشند و در هر صورت بطور کلی تفصیل مأموریت فلانکس به یزد چنانچه عرض کردم بر حسب ضرورت تفتیشاتی بوده است که خواسته اند بکنند امریکائی نسبت باعمال سلف خودش بکنند.

اما راجع باینکه فرمود در وزارت مالیه اولیای امور یا اعضای وزارت مالیه نسبت مطالبی که می گذرد ساکت و صامت هستند.

بنده گمان می کنم همیشه در مقابل کار درست و حرف حساب باید ساکت بود و این جا هم که جواب می دهند برای توضیح است

برای اینکه اذهان محترم آقایان نمایندگان از قضایا مسبوق شود و اگر يك حرفی هم اتفاق افتاده که بکنند برای مدار خودش خارج بوده البته بطریق اولی باید جواب هر ضحکرد و در هر صورت اینها هیچ کدام مداخله نمی کنند در مقاد حقوقی که برای بکنند تند نویس در ماده ذکر شده است و این مبلغ هم اقل مبلغی است که بکنند که دارای معلوماتی است از امریکا بشود برای خدمت بایران آورد.

هزار و پانصد یا هزار و شصت دلار حقوقی نیست که برای بکنند ایرانی که بخواهد در امریکا که می خواهد بایران بیاید و زندگانی کند و البته بکنند امریکائی حساب عایدات و کار خودش را در محل خودش می کند و در صورتی که فی الجمله صرفه داشته باشد يك مسافت زیادی را می پیماید و در يك مملکت خارجی می رود خدمت می کند.

بنا بر این بنده تصور می کنم پیش نهاد آقای حائری زاده از نقطه نظر صرفه جویی و تقلیل در مخارج خیلی مستحسن است ولی در موارد خودش و باین مورد بخصوص ربطی ندارد.

حائری زاده - مقصود بنده تذکر بود استرداد می کنم.

(پیش نهاد می کنم در هر يك از قسمتهای چهار گانه ماده اول قبل از کلمه (با حقوق) کلمه سالیانه نوشته شود.

**رئیس** - آقای اختر - (اجازه)

اختر - چون معلوم نیست که این حقوق برای سالیانه است یا ماهیانه (و البته بدیهی است سالیانه است)

ولی چون کلمه سالیانه نه در اول ماده و نه در آخر ماده هیچ کدام نوشته نشده اند بنده پیشنهاد می کنم کلمه سالیانه اضافه شود که معلوم باشد.

مخبر - قبول می کنم.

(پیش نهاد آقای شیخ المراقین زاده اینطور خوانده شد)

بنده پیش نهاد می کنم که جمله بجای مستر گرا قسمت اول و جمله بجای بلانکن از قسمت چهارم حذف شود.

**رئیس** - قسمت اول که تصویب شد.

مخبر - قسمت دوم را هم قبول میکنم **رئیس** - يك پیشنهاد دیگر مانده است.

(بشرح ذیل خوانده شد)

بنده تبصره ذیل را پیش نهاد میکنم



تبصره - لااقل چهار نفر از مستخدمین مذکور فوق باید علماً و عملاً متخصص بوده و در کثرت آنها قید شود که مکلف هستند موافق تعلیمات دولت ایران در علوم مالیه تدریس و موجبات تهیه مستخدمین متخصص ایرانی را فراهم نمایند.

شریعت زاده - داور - رهنما - جهان شاهی - رضا دامغانی - حسین .

رئیس - آقای شریعت زاده .

(اجازه)

شریعت زاده - آقایان خوب میدانند که در قرارداد هر قدر اقدامات اساسی باشد مصلحت بهتر تأمین می شود و تردیدی نیست که آمدن مستشار و متخصص خارجی و اشتغال آنها بکار در صورتی که منشأ خدمات دیگر یعنی منشأ تهیه متخصص ایرانی نباشد به محض اینکه آنها رفتند حفظ وضعیاتی که آمدن آنها را ایجاد کرده است مشکل است بنا بر این بنده و بعضی از رفقا اینطور بنظر آوردیم که در ضمن يك تبصره خاطر نشان شود که این مستخدمین باید علماء و عملاً متخصص باشند که در ضمن تعلیمات دولت در علوم مالیه تدریس کنند تا در نتیجه این عمل آن اصل اساسی که باید در نظر باشد تأمین شود

یعنی بتدریج تهیه متخصص از خود ایرانی ها نمایند و تصدیق خواهند فرمود که در نتیجه آوردن مستشار و اشتغال آنها بکار نمی شود متعقد شد که باید همیشه يك عده کافی مستخدمین متخصص بیاوریم و به عقیده بنده اگر این اصل رعایت نشود هر قدر هم که در ایران مستشارها کار کنند بالاخره در نتیجه عدم تعلیمات نظم و استحکام اساسی ادارات را نمی شود حفظ کرد

مگر اینکه عده متخصصین ایرانی در رأس ادارات واقع شوند و وسیله رسیدن باین مقصود هم تدریس علوم مالیه بتوسط متخصصین است و ممکن است این چهار نفر متخصص را که استخدام می کنیم اگر دارای تحصیلات علمی هم باشند يك موقع از اوقات خودشان را در مدرسه که باید در آنجا مشغول تدریس باشند و البته این ترتیب موافق مصلحت مملکت هم است .

مخبر - با تصدیق تمام اظهارات آقای شریعت زاده که محل تصدیق همه هم است لازم است برای استحضار خاطرشان عرض بکنم که اگر مقصود تخصص فنی باشد که در ماده اول قید شده است

ولی اگر مقصود حضرتمالی از متخصصین نمره اول آمریکائی ها است که آنها باسالی هشت هزار و دویست دلار ممکن نیست بایران بیاندوزد زیرا آنها باسالی شصت هزار و هفتاد هزار دلار حقوق در همان مملکت خودشان خدمت میکنند و باین مبلغ نمی شود آنها را استخدام کرد

حالا اگر در آتیه بودجه مملکت يك کشایشی

پیدا کرد و عایدات در مملکت زیاد شد که توانستیم از آن قبیل متخصصین بیاوریم البته مایه سعادت است

ولی امروز با این ضعف بودجه گمان نمی کنم بتوانیم این نوع متخصصین را استخدام نمائیم .

رئیس - رأی گرفته می شود بقبول توجه بودن این پیشنهاد

آقایانی که قابل توجهش می دانند قیام فرمایند .

عده قلیلی قیام نمودند

رئیس - قابل توجه نشد .

چون يك فقره پیشنهادی که اینجاشده بود قابل توجه شده است و پیش نهاد می رود بکمسیون نمی توانیم به ماده رأی بگیریم می ماند برای ورزشیه بقیه مذاکرات در این لایحه هم می ماند برای روز شنبه نوزدهم اردی بهشت چهار قبل از ظهر .

آقای داور .

اجازه

داوره بعد از تعیین دستور عرضی دارم .

رئیس - دستور همین شده است .

داور - فقط بطور تذکر می خواستم عرض کنم در چندی قبل طرحی پیشنهاد شده بود که من جمله بنده هم آن را اهداء کرده بودم راجع بکسر پنجاه هزار تومان از شهریه ها که از آن محل يك مسائل خوب مفیدی را به موقع اجرا گذاریم و کمسیون بودجه هم يك عده را برای رسیدگی باین کار معین کرد که می خواستم تذکر بدهم بکمسیون بودجه که راجع باین طرح چه تصمیمی اتخاذ نموده اند؟

مخبر - این طرح قبل از عید نوروز بکمسیون آمد و به ملاحظه اینکه ممکن نبود تمام اقلام مستعمری ها و شهریه ها در خود کمسیون مطرح شود .

لذا يك کمسیون سه نفری مرکب از آقایان سلیمان میرزا و حاج مشیر اعظم و آقا میرزا شهاب الدین معین شدند که باین اقلام رسیدگی کنند و مطابق اطلاعی که داریم چند جلسه هم تشکیل داده اند و با نماینده وزارت مالیه هم مشغول هستند که آن صورت را تهیه نمایند و خود کمسیون بودجه هم در این موضوع خیلی عجله دارد .

رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب بنده سؤالی از وزارت مالیه داشتم و مدت هشت ماه است که این سؤال را کرده ام این بود که خواستم به بینم حاضر هستند برای جواب یاخیر؟

وزیر مالیه - راجع بچه چیز است؟

حاج میرزا عبدالوهاب - راجع بمالیات دلالی که در همدان گرفته می شود

وزیر مالیه - بفرمائید جواب عرض

می کنم .

حاج میرزا عبدالوهاب - عرض می کنم در هشت ماه قبل يك اداره در همدان تأسیس شده و از هر مال مکاری دوهزار به عنوان دلالی اخذ می کند

بنده خواستم به بینم این مالیات از مالیات هائی است که در مجلس سابقه داشته و جزو مالیات هائی که در دوره اول تصویب کرده اند بوده یا نبوده؟

اگر نبوده که مطابق قانون اساسی حق تأسیس مالیات را غیر از مجلس کسی ندارد و اگر بوده بنده حاضر م ثابت کنم که چنین چیزی نبوده و حالا اگر اسنادی دارند که سابقه این مالیات را تثبیت می کند بنده عرضی ندارم و بعلاوه مالیاتی که متجاوز از سی هزار تومان است چند نفری آمده اند و از دولت مقاطعه کرده اند بسالی هشت نه هزار تومان این بود که خواستم به بینم آیا وزارت مالیه تحقیقاتی در این مسئله کرده اند و حاضرند جواب بدهند یا خیر؟

و عین همین مسئله را هم در یادداشت تذکر داده بودم

وزیر مالیه - این مسئله چه با خود آقا و چه در مجلس شورای ملی مکرر مذاکره شده که مالیات هائی که امروزه در این مملکت می گیریم تماش مالیات هائی نیست که به تصویب مجلس رسیده باشد و اغلب مالیات هائی است که از قدیم بوده و ما هم يك مالیات های قانونی که بتواند عایدات آنها قائم مقام عوائد امروزی شود نداریم که بتوانیم اینها را ملغی کنیم و اگر ملغی کنیم عایدات دولت از بین می رود و از عهده مخارج بر نمی آید و در نتیجه کسر بودجه مازاد تر می شود و ضمناً هم در ضمن بودجه هائی که در سنوات متعدده در مجلس شورای ملی آمده است .

این مالیات ها بطور کلی تصویب شده است و مالیات دلالی هم يك چیز تازه نیست .

این مالیات سالهای متعددی گرفته می شده است و بعد از این هم تا وقتی که مجلس شورای ملی لغو نکرده است این مالیات ها گرفته می شود مگر اینکه بواسطه لوابیح جدیدی که پیشنهاد شده است و مطرح هم شده این مالیات های بی قاعده را که خود بنده هم تصدیق می کنم که احجاف و تعدی به مردم می شود لغو نمایند و اما در خصوص کیفیت اخذ آن

گمان میکنم وزارت مالیه بکلی امتحان داده باشد که هر امری که موجب ازدیاد عایدات دولت باشد در کمال خوبی می پذیرد و در آن هیچ مسامحه و بی قیدی هم نمی شود و اگر واقعاً پیشنهاد های صحیحی باشد که وزارت مالیه بتواند بهتر عایدات را جمع کند و عایدات دولت هم زیادتر بشود .

یقیناً با کمال دقت در تحت مطالبه آورده و اجرا هم خواهد کرد .

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده تکذیب نمی کنم فرمایشات آقای وزیر مالیه را ولی صورت مالیات هائی که در دوره اول آورده اند و مجلس تصویب کرده است در دفتر مجلس موجود است به آن ها مراجعه شود اگر در همدان مالیاتی به اسم دلالی مکاری بود بنده هم تصدیق دارم و البته صحیح هم هست .

ولی عرض میکنم این مالیات را سه سال قبل يك نفر آمد آن جا و اجاره کرد و مردم هم داده و فریادشان بلند شد و متروک شد باز هشت ماه قبل آمده اند و شروع به اخذ این مالیات کرده اند گفتگوسر خلاف قانون بودنش است که باید مالیات را مطابق قانون اساسی مجلس تصویب کند کلام درر الغائش نیست .

اصلاً نباید گرفته شود تا چه رسد به اینکه الغاء بشود یا نشود .

وزیر مالیه - بنده عرض کردم مالیات هائی که سابق بوده مادام که مجلس آنها را الغاء نکرد مامی گیریم و حالا اگر خواسته اند در همدان يك مالیاتی را بگیرند و بواسطه مواعنی يك مدتی نتوانسته اند و بعد دوباره اقدام از برای گرفتن آن کرده اند این دلیل نمی شود که نباید گرفت .

عرض کردم چیر تازه نیست و از قدیم مرسوم بوده است .

رئیس - بودجه مجلس شورای ملی هم برای سال جاری رسیده است ارسال می شود به کمسیون محاسبات مجلس .

(جمعی از نمایندگان - صحیح است)

(مجلس نیم ساعت بهمداز ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - حسین پیرنیا

منشی - م . شهاب

منشی و دکتر احتشام طباطبائی

**جلسه ۱۶۳**

**صورت مشروح مجلس**

**یوم شنبه نوزدهم**

**اردیبهشت ۱۳۰۴ مطابق**

**پانزدهم شوال ۱۳۴۳**

(مجلس دو ساعت و سه ربع قبل از ظهر بریاست آقای آقامیرزا حسینخان پیرنیا تشکیل گردید)

صورت مجلس یوم پنجشنبه هفدهم اردی بهشت را آقای آقامیرزا شهاب الدین قرائت نمودند

رئیس - آقای شوشتری (اجازه)

**آقای سید محمد علی شوشتری**

قبل از دستور عرض دارم .

رئیس - آقای حاج میرزا محمد رضا (اجازه)